



پژوهشی در دین سیک

فلسفه و کلام :: نشریه درسهایی از مکتب اسلام :: اردیبهشت ۱۳۸۴، سال چهل و پنجم - شماره ۲

صفحات : از ۶۵ تا ۶۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/32477>

تاریخ دالود : ۱۴۰۳/۰۹/۱۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تحولات دینی آئین سیک در پرتو ادیان بزرگ هند

عناوین مشابه

- پژوهشی در دین سیک (خانه فرهنگ ایران در بمبئی)
- پژوهشی در دین سیک (۲)
- نیازسنجی پژوهشی در گستره مناسبات دین و روان شناسی
- معرفی سایت پژوهشی در زمینه جامعه شناسی دین
- ارکان و ویژگی های نظام پژوهشی کارآمد در حوزه ی علوم دین و معارف اسلامی
- دین و دولت در اندیشه اسلامی، پژوهشی نو، اثری ماندگار
- پژوهشی در ویژگیهای شهرهای اسلامی- ایده پیدایش «باغ شهرها» و رابطه شهرسازی و دین
- اخلاق دین شناسی؛ پژوهشی در مبانی معرفتی و اخلاقی فقه
- وضعیت شناسی نیازسنجی های پژوهشی در حوزه دین
- گشایش معمای ایده «خداباوری شهودی» و وجود پرشمار خدانا باوران: پژوهشی در علوم شناختی دین

پژوهشی در دین

سیک*

در عرصه جهانی، مذاهب و ادیان و فرقه‌های متعددی وجود دارند که در کشور ما حتی برای مخاطبان خاص هم شناخته شده نیستند. برای آشنایی بیشتر با این ادیان و فرقه‌ها -خواه الهی و خواه غیرالهی- برآنیم تا در هر شماره نشریه چشم‌انداز، به معرفی یکی از این موارد پردازیم.

در این شماره، مطالبی در معرفی دین «سیک» را می‌آوریم. از خانه فرهنگ جمهوری اسلامی در بمبئی نیز به خاطر تهیه این مطلب، تقدیر و تشکر می‌کنیم.

پیروان دین سیک از نظر جغرافیایی فقط در هند و مشخصاً ایالت پنجاب متمرکزاند، با این حال در مدت کمتر از ۲۰۰ سال از تاریخ تأسیس آن دامنۀ نفوذ این دین در مناطق شمالی هند و در جنوب، در جهت سیلان گسترش یافته بود. حدود ۹۵٪ از کل جمعیت سیک‌ها در شمال غربی هند و در همان منطقه‌ای که دینشان از آنجا سرچشمه گرفته، زندگی می‌کنند.

از نظر سیاسی، دین سیک، منهای دین یهود، تنها دین موجود است که باعث تولد یک ملت شده است. در تاریخ، محمل عمده این دین بیشتر سیاسی بوده است تا مذهبی. از نظر ساختمان و معماری، معبد مرکزی سیک‌ها به نام معبد طلایی در «استخربقا» در آمریتسار قرار گرفته و می‌توان گفت که بعد از تاج محل در آگرا، جالب‌ترین محل دیدنی

*. نقل از نشریه «چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی»، دوره جدید، شماره اول.

هند است. در وسط آب، بنای زیبای معبد، گنبد و قبه‌های مطلای آن سربرافراشته که یک سنگفرش مرمر، آن را احاطه کرده است.

از لحاظ فکری، این دین به عنوان کوششی آگاهانه در جهت هماهنگ کردن دو دین بسیار قوی و قدرتمند هند که رقیب یکدیگر بودند؛ یعنی دین هندویی و اسلام، ظهور کرد. این ترکیب و امتزاج در اثر تجربه مذهبی شخصی و نفوذ مستمر یک مصلح بزرگ به نام «گورونانک» به دست آمد.

زندگی گورو نانک

محل تولد نانک در حدود ۴۵ کیلومتری جنوب غربی لاهور، مرکز استان پنجاب پاکستان در کنار رودخانه راوی، قرار گرفته است. دهکده کوچک محل ولادت او در ابتدا، تالواندی نام داشت، اما بعدها به افتخار وی آن را «نانک آرا» به معنی «محل نانک» نامیدند.

والدین وی از افراد عادی آن دهکده بودند. پدرش یک هندوی طبقه دوم و در استخدام یک ارباب فئودال مسلمان بود. در سن هفت سالگی وقتی برای اولین بار به مدرسه فرستاده شد وی به معلم هندوی خود نصیحت کرد که نام حقیقی خدا را از طریق رحمت خداوند به جای مطالعه تمام «ودا»ها بداند.

بنابر روایات، در سن نه سالگی مشغول آموختن زبان فارسی گردید. پس از بلوغ و ازدواج، به خاطر ناخشنودی از زندگی محلی خود در دهکده تالواندی، زن و دو فرزند خود را در آنجا گذاشته و آنجا را ترک نمود. بنا به روایات ضبط شده در تاریخ این دین، او که دیگر قادر به خوردن و آشامیدن نبود و از فرط تمنای خدا به حالت مریضی درآمده بود، به بیابان‌ها رفته و اوقات خود را به تأملات دینی در زیر درختان می‌گذرانید. وی تمامی پولی را که از طرف پدرش برای انجام معامله و خرید کالا در اختیارش گذاشته شده بود، به مردان مقدس بخشید و پدرش او را برای این کار تنبیه نمود؛ اما او از کار خود توبه نکرد.

آغاز دعوت

بنابر روایات سیک‌ها، یک روز پس از استحمام، نانک در جنگل ناپدید شد و در عالم رؤیا به محضر خدا برده شد. در آنجا به او یک فنجان نوشیدنی الهی تعارف کردند که او نوشید، خداوند به او چنین خطاب می‌کند:

«من با تو هستم، من تو را خوشحال نموده‌ام و نیز همه کسانی که نام تو را انتخاب کنند. برو و نام مرا تکرار کن و دیگران را نیز وادار کن که همین کار را بکنند. هرگز آلوده دنیا مشو. به تکرار نام من و دادن صدقات و خیرات، وضو، عبادت و تأمل و اندیشه دینی مشغول باش... نام من خدا، اولین بر ماست و تو نیز گوروی الهی هستی.»

پس از سپری شدن سه شبانه‌روز، گورو از جنگل بدرآمد و به منزل خویش رفت و هرچه را که داشت به فقرا بخشید. در این ایام عقیده عمومی بر این بود که نانک دچار جن‌زدگی شده است. نانک یک روز را ساکت بود و روز دیگر را به بیان مطلب پرداخت که «هندو و مسلمانی وجود ندارد». این انکار تعجب‌آور، همه عقاید دینی با بهت و حیرت همگانی روبرو کرد.

آغاز سفرهای تبلیغی نانک

نانک، مردانا را که قبلاً مسلمان و خدمتکار بود، به عنوان همراه خویش انتخاب کرد و به تبلیغ وسیع‌تر مذهب خویش پرداخت و اعتقاد به یک خدای حقیقی را ترویج می‌داد.

گورو نانک خود را به لباس‌های رنگارنگ هندوها و مسلمانان، ملبس می‌کرد. در این سفر، وی و مردانا در مناطق شمالی هند، مسافرت‌های فراوان نموده و پس از دوازده سال مسافرت و تبلیغ، هر دو نفر به زادگاه خود در پنجاب بازگشتند؛ اما بار دیگر در تدارک کوشش‌های تبلیغی خویش برآمدند. سفر تبلیغی آنها فشرده‌تر بود. در ابتدا به مَدْرَس، یک معبد متعلق به پیروان دین «جایینی» در جنوب هند و سپس به جزیره سیلان

که در آنجا نانک به موعظه پادشاه پرداخت، سفر نمودند.

وی همچنین از شمال غربی و شهر سریناگار در کشمیر دیدار کرد. نانک در لباس زائر مسلمان در می آمد. وی همچنین مراسم حج را در مکه بجا آورد. سپس گورو نانک به مدینه رفت و از آنجا به بغداد رهسپار شد. گورو نانک در بغداد اعلام پیامبری کرد. وی خود را این چنین معرفی کرد:

«من در این عصر ظهور یافته ام تا مردمان را به راه رستگاری هدایت کنم. من همه فرقه ها را نفی می کنم و تنها یک خدا می شناسم، خدایی که در همه جا وجود دارد».

نانک کارهای سخت و زاهدانه و ریاضت منشانه در دین هندویی آن زمان را تقیح نموده و به خاطر عملکرد آزادمنشانه خود، حساسیت آنها را برمی انگیزخت. با وجود این، وی بسیاری از افراد هندو را که در میان آنها افراد برجسته ای نیز بودند، از طریق تفسیر روحانی مجدد دین هندویی، به دین خود درآورد. به همان طریق نیز به تفسیر نوی از اسلام پرداخت و بسیاری از مسلمانان از جمله چهره های برجسته را به دین خود درآورد.

طبق مندرجات متون سیک، گورو نانک یک بار هنگامی که در سرگردانی به سر می برد، تحت وسوسه شیطان قرار گرفت. شیطان به نانک پیشنهاد کرد که در مقابل دریافت همه ثروت جهان از رسالت تبلیغی خود دست بردارد: «من برای تو زنان بسیار زیبا خواهم آورد و به تو قدرت انجام معجزات را خواهم بخشید و سلطنت شرق و غرب را به دست خواهم سپرد». و گورو نانک به او پاسخ داد که خودش همه ملک و سلطنت را تحقیر نموده است!

پایان شگفت انگیز گورو نانک

گورو نانک که می دانست پایان کار او نزدیک است، «آنگاده» را به عنوان جانشین خود منصوب کرد. پسران گورو از پدرشان اطاعت نکرده بودند و علیه پدر، طغیان کرده

و او را ترک کرده بودند.

سپس گورو نانک رفت و در نزدیک درخت افاقای خشک شده‌ای نشست. در این حال بر سر چگونگی تدفین گورو نانک (تدفین و یا سوزاندن) بین مسلمانان و هندوها جدال رخ می‌دهد که در نهایت از خود وی مسأله را می‌پرسند و او در پاسخ چنین می‌گوید: هندوها در طرف راست من و مسلمان‌ها در طرف چپ من گل قرار دهند؛ هر کدام از دو دسته که صبح فردا هنوز گل‌های خود را تازه یافتند، بدن من را در اختیار گیرند. فردا صبح وقتی ملافه را از روی او برداشتند چیزی در زیر آن نیافتند و گل‌های هر دو طرف، تازه و شاداب بودند.

در کارته‌پور در ایالت پنجاب در کنار رودخانه راوی، مسلمانان یک مقبره و هندوها یک معبد به افتخار او بنا نمودند که هر دوی آنها تا به امروز توسط آب رودخانه مزبور شسته شده و از بین رفته است.

گفته شده که او یک درخت انجیر خشک شده و نیز یک درخت افاقا را از نو بارور ساخته است. او همچنین فیل مرده و انسان مرده‌ای را زنده نمود. او یک جذامی را شفا داد و به دین خود درآورد. او از زمین خشک، آب درآورد. وی به واسطه این معجزات افراد زیادی را به کیش خود درآورد.

جایگاه گورو نانک نزد پیروانش

لقبی که بیش از همه در مورد نانک به کار می‌رود، «گورو» است که به معنی «آموزگار دینی» می‌باشد. به او همچنین القاب افتخاری دیگری نظیر «رئیس» و «پادشاه» و نیز القابی نظیر «پدر» یا «بابا ناک» داده‌اند.

مردم کم‌کم به او به چشم یک خدا نگاه کرده و او را نیایش می‌کردند تا آنها را مورد بخشش قرار داده و به نجات برساند. به هر حال در خلال چهارصد سال گذشته و امروزه نیز پیروان دین سیک بر این عقیده‌اند که کلام او مبتنی بر الهام الهی بود.

ادامه دارد